

روابط دختر و پسر در ایران

• قسمت پنجم



• پیشگفتار

در شماره‌های گذشته پس از تحلیل بی‌امون روابط دختر و پسر در ایران به بحث دربارهٔ انواع برخورد بین دختران و پسران پرداخته شده در این شماره سایر شویه‌ها مورد تحلیل و مدافه قرار می‌گیرند.

علی اصغر احمدی

پرتال جامع علوم انسانی
مجلات انسانی - مطالعات تربیتی

می‌شود. اکثر قریب به اتفاق مدارس راهنمایی و دبیرستانهای دخترانه، این مشکل را به عنوان یکی از مهمترین مسائل تربیتی خود مطرح می‌کنند و از آن با عنوان کلی «دوست پسر داشتن» برخی از دختران یاد می‌کنند. این مشکل از طرف اولیای مدارس پسرانه و همچنین والدین پسران، حداقل به عنوان یک مشکل جدی تربیتی مطرح نمی‌شود.

این نکته خود نشانگر شیوه برخورد دو گانه تربیتی در این زمینه است. به این ترتیب که باید گفت در واقع در نظر مربیان، نوجوانان و جوانان، برقراری روابط پنهانی بین دو جنس فی نفسه از قیچ زیادی برخوردار نیست، بلکه برقراری این رابطه برای

۶- روابط پنهانی

آنچه که در نظر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت از جمله اولیای مدرسه و والدین مشکل اساسی در مورد دختران و پسران تلقی می‌شود، وجود روابط پنهانی بین برخی از آنان است. در نظر بسیاری از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت سایر شیوه‌های برخورد که ما در این مباحث به آنها پرداخته‌ایم یا مورد توجه قرار نمی‌گیرند و یا از اهمیت بسیار کمی برخوردارند، در صورتی که وجود روابط پنهانی، همچون نامه‌نگاری، ملاقاتهای مخفیانه و تماس تلفنی در نظر آنان به عنوان یک مشکل اساسی مطرح

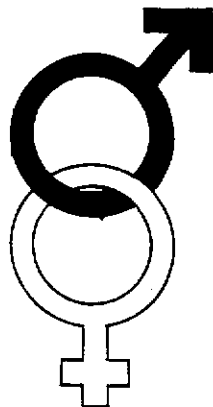
دختران بسیار بد و به عنوان یک مسئله مهم تربیتی مطرح است و برای پسران نه به عنوان یک مسئله تربیتی بسیار حاد، بلکه به عنوان یک مسئله قابل اغماض در نظر گرفته می شود. این دوگانگی بینش و روش برخورد با مسئله باید از بین برود. یعنی همان گونه که مدارس دخترانه در این زمینه حساس هستند و درصدد یافتن راه حل هستند، مدارس پسرانه نیز می باید در این زمینه برنامه ای داشته باشند تا از طریق یک برنامه ریزی مشترک به اهداف مورد نظر بتوانند نائل شوند.

در نظر اول، دختر و پسری که با یکدیگر نامه رد و بدل می کنند و یا تماس تلفنی برقرار می کنند، به عنوان عوامل و دست اندرکاران اصلی برقراری روابط پنهانی به شمار می آیند. ولی عامل بسیار مهم در ایجاد چنین روابطی وجود یک زمینه اجتماعی و گاه پنهان در میان نوجوانان است. در حقیقت آنچه که دختران و پسران نوجوان را به طرف برقراری روابط پنهانی سوق می دهد، صرفاً تمایل غریزی آنان به طرف یکدیگر نیست، بلکه وجود افکار و باورهای است که معمولاً به شکل غیر رسمی و گاه پنهانی در میان آنان جریان دارد. وجود این فکر که داشتن دوست پسر و یا دوست دختر نشانه قدرت و جاذبه اجتماعی یک دختر و یا پسر است و یا این اندیشه که داشتن چنین روابطی نشانه بزرگ شدن و بزرگ بودن آنان است، از جمله عوامل مهم زمینه ساز در برقراری روابط پنهانی است.

از جمله «عوامل زمینه ساز» در برقراری روابط پنهانی، احساس رسالت برخی از دختران و پسران نوجوان برای یافتن دوست برای یکدیگر است. این نوجوان نقش کاتالیزور را در برقراری روابط ایفا می کنند. برخی از دختران نوجوان تلاش می کنند برای پسر دانی و یا پسر خاله خود و یا افرادی از این قبیل، از میان همکلاسی خود دوستی پیدا کرده و در برقراری روابط اولیه بین آنان تسهیلاتی را فراهم آورند. در قدمهای اول رد و بدل کردن نامه و یا شماره تلفن و گاه ترتیب یک یا چند ملاقات در خانه و یا خیابان را از وظایف مهم خود به شمار

می آورند. این گونه دختران و پسران علی رغم این که به ناپسند بودن عملشان از لحاظ اجتماعی واقفند، ولی رسالت خود در این زمینه را به عنوان بخشی از پیمان فامیلی خود به شمار آورده و حتی بعضی مواقع بسیار فعالتر و پرجنب و جوشتر از دختر و پسری که به اصطلاح می خواهند با هم دوست شوند، تلاش می کنند، در انجام این عمل معمولاً از گفتن دروغهایی به طرفین نیز اجتناب نمی کنند. مثلاً به دختر از قول پسری گویند که «من نورا دوست دارم و می خواهم با تو ازدواج کنم». و چنین عبارتهایی را نیز از قول دختر برای پسر نقل می کنند.

در برقراری روابط پنهانی می باید به نقش عواملی که اولین پیوندها را ایجاد کرده و همین پیوندها موجبات استمرار روابط پنهانی را فراهم می آورند، نیز به خوبی توجه نمود. این دسته از عوامل را می توان عوامل «استمرار دهنده» نامید. از جمله عوامل استمرار دهنده رد و بدل کردن اولین نامه ها، احیاناً عکس و یا در موارد نادر هدیه است. رد و بدل نامه ها باعث به وجود آمدن این انتظار در ذهن دختر است که مقدمات پیمان ازدواج و زناشویی فراهم آمده و با در صورتی که بخواهد این رابطه را نیز قطع کند با این احساس که مدرکی در اختیار پسر دارد و ممکن است با افشای این مدرک آبروی خود و خانواده اش بریزد، لذا به نحوی سعی در حفظ این روابط پنهانی می کند. برای پسر نیز رد و بدل کردن نامه و عکس و امثال اینها حقی را ایجاد می کند که بر اساس آن حق انتظار دارد دختر روابطش را با او استمرار دهد، و اگر با مقاومتی از طرف دختر مواجه شود او را تهدید به افشاگری و رسوایی می کند و این عمل بعضی مواقع نیز تحقق می پذیرد. از طریق تکثیر نامه ای که از طرف دختر، به پسر داده شده است و یا این که نقل مطالب درست و یا نادرست به سایرین از جمله اشکال تحقق این گونه تهدیدهاست. دختر جوانی که به تازگی ازدواج کرده است، در نامه ای می نویسد من با پسری قبل از ازدواجان دوست بودم، اکنون که ازدواج کرده ام، آن پسر مرا تهدید می کند که یا



• آموزشهای خانوادگی می باید از آغاز ازدواج در فاصله های زمانی و در ساعات محدود و در زمینه های مسائل مختلف از قبیل آموزشهای جنسی، آداب معاشرت، الگوهای مصرف و شیوه های تربیت و بسیاری مسائل دیگر، به انجام برسد.

خواهر شوهرت را برای دوست شدن با من آماده کن و یا اینکه من مسائل مربوط به دوستیت با خودم را افشا خواهم کرد.

از جمله عوامل استمرار دهنده در روابط پنهانی، احساس گناه و آلودگی است که بعضی مواقع ذهن دختر و پسر را به خود مشغول می‌دارد. برخی از دختران و پسران بعد از برقراری اولین ارتباطات پنهانی با یکدیگر، احساس پستی و گناه می‌کنند. این احساس در بعضی موارد به اصرار و پافشاری در انجام عملی که این احساس را برانگیخته می‌انجامد. در حقیقت نوجوان و جوان با خود می‌گوید حالا که من این کار را کرده‌ام، پس بگذار آن را ادامه دهم.

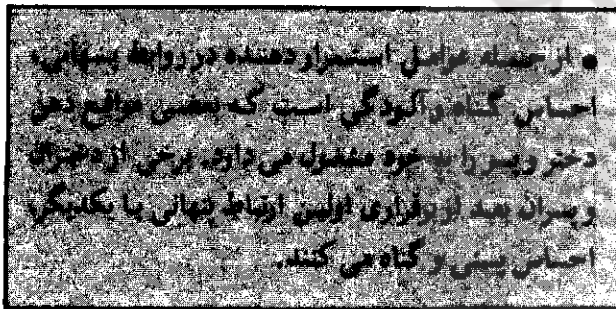
برای این گونه افراد اولین قدم، تنها یک گام نیست، بلکه قدم شروع، ادامه و استمرار است. در چنین مواردی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت باید از به وجود آمدن آلودگی و احساس گناه جلوگیری کرده و خود نیز به آن دامن نزنند، بلکه فرد را متوجه کرامت و ارزشمندی خود کنند و در ضمن نوجوان را در زمینه نحوه طی کردن مراحل سالم و درست برای ازدواج و صبر کردن تا زمان مناسب یاری نمایند. به این ترتیب باید گفت که نقش مربی در این زمینه بازسازی ذهن نوجوان در مورد «تصور از خویش» است، نه تخریب آن و ایجاد احساس ناخوشایند از خود.

۷ - برخوردهای ناپخته

از اشکال دیگر برخوردهای دختران و پسران که در جامعه ایرانی به چشم می‌خورد، برخوردهایی است که ناشی از ناپختگی شخصیت آنان و جنبه تخریبی آن برای خود و دیگران بیشتر است. رفتارهایی چون متلک گویی، مزاحمت‌های تلفنی، خیرچینی برای دوستان و فامیل، تهمت زدن، غیبت کردن و غیره از این گونه رفتارهاست که در شهرهای بزرگ کم و بیش به چشم می‌خورد، ولگردی فردی و گروهی برخی از دختران و پسران در خیابانها و بخصوص پارکها و سینماهاست. اینها به منظور جلب توجه افرادی از جنس مخالف و با هدف دوست‌یابی از بین آنان، ساعتها در خیابانها و اماکن گوناگون راه می‌روند و از گوشه‌ای به گوشه دیگر رفته و بدون این که به روشنی بدانند به دنبال چه چیزی هستند، وقت و انرژی خود را تلف می‌کنند. اینان هر چند که برخی اوقات موفق می‌شوند با کس یا کسانی مانند خود سر صحبت را باز کرده و با شیوه‌ای کاملاً نامتعادل سخنانی را با یکدیگر رد و بدل کنند و احیاناً

ساعاتی را نیز با آنها به وقت گذرانی بپردازند اما در نهایت با احساس خستگی و وازدگی و بیهودگی و نیز احساس بی‌زاری از خود به خانه بازمی‌گردند. دخترانی هستند که با استفاده از عدم انسجام خانواده و نبودن پدر و یا مادری که دارای بینش و اقتدار درست تربیتی باشد، به بهانه درس خواندن با دوستانشان، کیف و کتابی را زیر بغل می‌گذارند و با آنها در خیابانها پرسه می‌زنند. پسرانی نیز وجود دارند که خانواده قدرت کنترل آنها را ندارد و در حقیقت برای راحت شدن از شر آنان از نبودنشان در خانه استقبال نیز می‌شود و از آنجایی که نه خانه و نه خود نوجوان برنامه روشنی در زندگی ندارند آنان نیز ناگزیر از پرسه زدن در خیابانها می‌شوند.

این گونه دختران و پسران نوجوان، طعمه‌های بسیار خوبی هستند برای گروهها و باندهایی که در صدد سودجویی و اشاعه فساد و فحشا هستند. ولگردی این نوجوانان و جوانان در حقیقت نشان سرگشتگی آنان در زندگی و نیافتن هویتی روشن برای خود است و این سرگشتگی همان زمینه‌ای است که شکارچیان



مفرض را موفق به شکار می‌کند.

اخباری که در زمینه برگزاری میهمانیها، جشنها و مراسمی که معمولاً به طور مخفی و یا نیمه علنی می‌رسد، و سوق یافتن نوجوانان و جوانانی که با راه یافتن در این مجامع، زندگی خود را به شکل آسیب یافته و آسیب‌زا استمرار می‌بخشند از جمله مواردی است که می‌تواند توجه ما را به رشد ناپختگی و سرگشتگی برخی از فرزندان این آب و خاک جلب کند.

برخوردهای غیر عادی و ناپخته معمولاً از نوجوانانی سر می‌زند که والدین آنان از فقر فرهنگی و تربیتی رنج می‌برند. این گونه والدین نه تبیین و معنای روشنی از زندگی دارند و نه برنامه مشخصی برای تربیت فرزندان خود. متأسفانه این قبیل خانواده‌ها در ایجاد یک سیکل آسیب‌زا در جامعه نقش زیادی دارند. خود با یک زندگی آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده روبرو

هستند و فرزندان آنان نیز در صورتی که در معرض تربیت صحیح قرار نگیرند، زندگی آسیب پذیر و آسیب زایی را آغاز خواهند کرد که فرزندان آنان نیز دنباله این آسیب زایی را خواهند گرفت.

در اینجا رسالت نظام تعلیم و تربیت جامعه در مورد خانواده هایی که از فقر فرهنگی و تربیتی رنج می برند، آشکار می شود. لزوم آموزشهای خانوادگی را در مورد مسائل مختلف از بدو ازدواج، نشان می دهد. آموزش خانواده دانش آموزانی که به مدرسه می آیند، هر چند که کاری است ضروری و لکن کافی نیست. آموزشهای خانواده می باید از آغاز ازدواج در فاصله های زمانی و در ساعات محدود و در زمینه های مسائل مختلف از قبیل آموزشهای جنسی، آداب معاشرت، الگوهای مصرف و شیوه های تربیت و بسیاری مسائل دیگر، به انجام برسد. این کار مستلزم تشکیل سازمانی است تحت عنوان «سازمان آموزش خانواده» که تحت نظارت معاونت فرهنگی ریاست جمهوری و با سرمایه گذاری کافی، فعالیت خود را به انجام برساند.

● **پدران و مادران به این نکته توجه داشته باشند که عدم تبعیت از یک الگوی اسلامی و ایرانی در تربیت، از آن جمله در معین کردن حدود رفتاری بین دو جنس، می تواند لطمات جبران ناپذیری را به نسلهای آینده وارد کند.**

می گیرد، فراهم می آورد. در یکی از مدارس شمال تهران وقتی یک مجله خارجی با تصاویر مستهجن را از دانش آموزی گرفته بودند با اعتراض پدر مواجه شده بودند که چرا چنین کرده اید من خود اینگونه مجلات را در اختیار فرزندم قرار می دهم تا او علم و اطلاع کافی در این زمینه کسب کند. و یا این که در سال گذشته در یکی از شهرهای بزرگ دختری به اتفاق دوستانش در خانه پس از صرف مشروب که پدر برای نشان دادن ترقی خود و خانواده اش تهیه کرده و پس از تماشای فیلمهای ویدیویی که آن هم توسط همین خانواده تهیه و در اختیار فرزندشان قرار گرفته بود، اعمالی را انجام دادند که منجر به قتل یک پسر شد. وقایعی این چنین، هر چند که بسیار نادرند اما نتیجه قابل انتظاری هستند از این نحو تلقی که حدود روشنی را در روابط دختر و پسر در جامعه نمی شناسد. آنچه که امروزه در غرب شاهد آن هستیم می تواند دلیلی باشد بر این که نامحدود بودن رفتارهای دو جنس با یکدیگر می تواند وضعیتی را به وجود بیاورد که کنترل آن از عهده هیچکس برنیاید. امروزه تولد سالیانه چهار میلیون کودک در آمریکا از مادران زیر نوزده سال، چیزی نیست که برای کسی مطلوب و مقبول باشد. بخصوص با شیوع بیماری ایدز چنین آماری برای همه نکاندهنده است. پدران و مادران، علما و دست اندرکاران تعلیم و تربیت و دولت مردان همگی از چنین وضعیتی اظهار نگرانی می کنند. پس باید گفت چنین وضعیتی امروزه در اختیار و کنترل کسی نیست. چنین وضعیتی می باید برای جوامعی چون ایران که هنوز کنترل نوجوانان و جوانانش را تا حد زیادی در اختیار دارد، به عنوان یک تجربه جهانی تلقی شود و پدران و مادران به این نکته توجه داشته باشند که عدم تبعیت از یک الگوی اسلامی و ایرانی در تربیت، از آن جمله در معین کردن حدود رفتاری بین دو جنس، می تواند لطمات جبران ناپذیری را به نسلهای آینده وارد کند. ترقی یک جامعه، حتی آنجا که می خواهیم از کشورهای دیگر الگو بگیریم در شهروانی و خوشگذرانی بی قید و بند نیست، بلکه ترقی علمی و اخلاقی و داشتن روابط انسانی و تربیت فرزندانمان به صورت افرادی مفید برای جامعه و حافظ ارزشهای اجتماعی و فرهنگی جامعه خود و تبدیل آنان به عنوان یک ایرانی مسلمان و جلوگیری از بی هویتی ملی آنان به گونه ای که در عین حال که ایرانی هستند در ذهن خویش زندگی در کشورهای دیگر را نپروانند و در حقیقت از لحاظ هويت و ذهن افرادی بی وطن نباشند، از مهمترین اهداف تربیت اجتماعی ما می تواند باشد.



۸- افراط در معاشرت

یکی دیگر از شیوه های برخورد بین دو جنس، افراط و زیاده روی در معاشرت است. این گونه معاشرتها معمولاً ناشی از بینش خاصی است که در خانواده مبنی بر «اجتماعی بودن» و معاشرتی بودن» و در حقیقت با انگیزه «مترقی بودن» وجود دارد. این گونه خانواده ها معمولاً الگوی مترقی بودن خود را از غرب می گیرند و به زبانی روشن اگر بخواهیم بگوییم «غربگرایی» عامل مهم در این گونه معاشرتهاست. داشتن میهمانی های مختلط، شوخی و خنده، غیر مقید بودن در مورد نحوه پوشش و حتی تماس بدنی، مثل دست دادن و یا دست یکدیگر را گرفتن، از جمله مشخصه های معاشرت افراطی است. بینش حاکم بر این گونه معاشرتها زمینه را برای انجام اعمالی که از معیارها و هنجارهای جامعه ما به شدت فاصله